



حکمرانی خوب چیست؟

برگردان: یحیی کمالی
escap-prs@un.org

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

چکیده

به تازگی، مفاهیم حکمرانی و حکمرانی خوب به گونه ای فزاینده در ادبیات توسعه، مورد استفاده قرار گرفته است. حکمرانی بد، به گونه ای گسترده، به علل ریشه ای همه زشتی ها در جوامع ما، اشاره دارد. وام دهندگان و نهادهای مالی بین المللی عمده، به شکل گسترده ای کمک ها و وام هایشان را بر مبنای اصلاحاتی قرار می دهند که براساس آن حکمرانی خوب میسر شود. در این مقاله تلاش شده است تا به ساده ترین شکل ممکن، معانی حکمرانی و حکمرانی خوب، معرفی شود.

تذییر

شماره ۲۰۶ - تیر ۸۸
مقالات

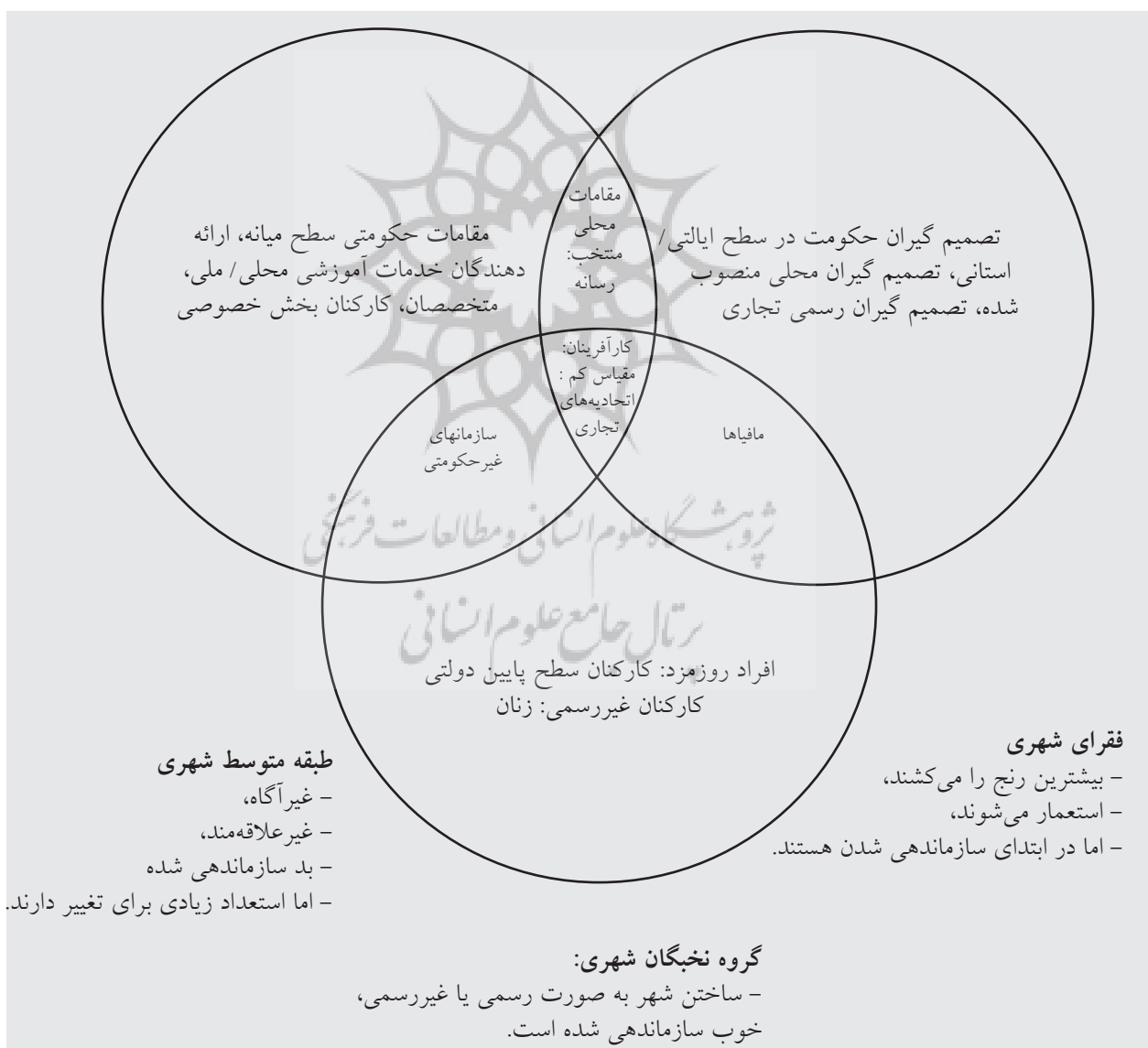


مقدمه

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست. بلکه به پیشینگی تمدن بشری است. معنای ساده حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایندی است که به وسیله آن تصمیمات اجرا می‌شوند (یا نمی‌شوند). حکمرانی در چندین زمینه می‌تواند استفاده شود، مثل: حاکمیت شرکتی، حاکمیت بین‌المللی، حاکمیت ملی و حاکمیت محلی. از آنجایی که حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایند اجرای تصمیمات است، تحلیل حکمرانی روی بازیگران رسمی و غیررسمی در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و ساختارهای رسمی و غیر رسمی، که برای دستیابی به هدفها

و اجرای تصمیمات در یک مکان به وجود می‌آیند، متمرکز می‌شود. دولت یکی از بازیگران حکمرانی است. سایر بازیگران حکمرانی با توجه به وابستگی شان به سطوح مختلف حکومت متفاوت هستند. برای مثال در نواحی روستائی، سایر بازیگران ممکن است، شامل: زمینداران صاحب نفوذ، اتحادیه‌های کشاورزان روستائی، تعاونیها، سازمان‌های غیردولتی، نهاد های پژوهشی، رهبران مذهبی، نهاد های مالی، احزاب سیاسی، نظامیان و... باشند. این وضعیت در مناطق شهری پیچیده‌تر است. (شکل ۱) روابط متقابل بین بازیگران موثر در حکمرانی شهری را نشان می‌دهد.

در سطح ملی، علاوه بر بازیگران یادشده، رسانه‌ها، لابی‌کننده‌ها، وام‌دهندگان بین‌المللی، شرکتهای چند ملیتی ممکن است در تصمیم‌گیری یا تاثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری، نقش داشته باشند. همه بازیگران به جز دولت و ارتش، روی هم، بخشی از جامعه مدنی هستند. در برخی کشورها علاوه بر جامعه مدنی، سندیکای جرائم سازمان یافته نیز بر تصمیم‌گیری، به ویژه در نواحی شهری و در سطح ملی، تاثیر می‌گذارند. همچنین ساختارهای رسمی دولتی یکی از ابزارهایی هستند که به وسیله آنها تصمیمات اتخاذشده، اجرا می‌شوند. در سطح ملی، ساختارهای تصمیم‌گیری



شکل ۱: بازیگران حکمرانی شهری

غیررسمی، مانند کابینه های موازی (منظور مشاوران غیررسمی هستند که به طور موازی با کابینه رسمی عمل می کنند) ممکن است وجود داشته باشند. درنواحی شهری سندیکای سازمان یافته، مثل مافیای زمین ممکن است بر تصمیم گیری تاثیر بگذارد. در بعضی مناطق روستائی ممکن است خانواده های قدرتمند محلی تصمیم بگیرند یا بر تصمیم گیری تاثیر بگذارند. چنین تصمیم گیری غیر رسمی، نتیجه اعمال فاسد است یا می تواند منجر به اعمال فاسد شود.

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب هشت مشخصه اصلی دارد: مشارکتی، اجماع محور، مسئولیت پذیر، شفاف، پاسخگو، اثربخش و کارا، منصفانه و همه گیر و پیرو حکومت قانون. این شکل حکمرانی، باعث می شود که فساد به حداقل ممکن کاهش یابد، دیدگاه های اقلیت ها به حساب آورده شده و صدای اقشار آسیب پذیر، در تصمیم گیری شنیده شود نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ گفته شود.

مشارکت:

مشارکت هم مردان و هم زنان سنگ بنای حکمرانی خوب است. مشارکت می تواند به شکل مستقیم یا از راه نهادهای میانجی قانونی و یا نمایندگان باشد. مهم است که تاکید شود: دموکراسی مبتنی بر نمایندگی، لزوماً به این معنی نیست که ملاحظات اکثریت جامعه در تصمیم گیری لحاظ شود. لازمه مشارکت، اطلاع دهی و سازماندهی است؛ یعنی از یک سو آزادی انجمن ها و بیان و از سوی دیگر وجود جامعه مدنی سازمان یافته مورد توجه قرار گیرد.

حکومت قانون:

حکمرانی خوب مستلزم چارچوب های قانونی عادلانه است که به صورت بیطرفانه به اجرا گذاشته شوند. حکمرانی خوب، همچنین مستلزم حمایت کامل از حقوق بشر و به ویژه اقلیت ها است. اجرای بی طرفانه قوانین، مستلزم دستگاه قضایی

مستقل و نیروی انتظامی فسادناپذیر سالم و بی طرف است.

شفافیت:

شفافیت یعنی این که تصمیمات و اجرای آنها در مسیر پیروی از قوانین و مقررات، صورت بگیرد. همچنین اطلاعات برای کسانی که از تصمیمات و اجرای آنها تاثیر می پذیرند آزادانه و به طور مستقیم قابل دسترس باشد و نیز اطلاعات کافی در رسانه ها و به شکلهای قابل فهم، مهیا باشد.

پاسخگویی:

حکمرانی خوب مستلزم این است که نهادها و فرایندها، برای خدمت به همه ذینفعان در یک چارچوب زمانی معقول

اگر چه حکمرانی خوب، یک ایده آرمانی است، اما به هر حال همه جوامع باید به سمت تحقق آن گام بردارند.

مشارکت، اجماع، مسئولیت پذیری، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی، انصاف و پیروی از حکومت قانون، هشت ضلع یک حاکمیت خوبند.

تلاش کنند.

گرایش به اجماع بازیگران متعددی با دیدگاه های مختلف در یک جامعه، وجود دارند. حکمرانی خوب باید بین منافع مختلف موجود در جامعه برای رسیدن به یک اجماع گسترده بر روی اینکه چه چیز بهترین منفعت را برای کل جامعه دربردارد، میانجی گری کند. حکمرانی خوب همچنین مستلزم چشم انداز های گسترده و بلند مدت به این است که چه چیز برای توسعه پایدار انسان و چگونگی دستیابی به هدفهای چنین توسعه ای نیاز است. این فقط می تواند نتیجه فهم زمینه های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جامعه، یا اجتماع باشد.

عدالت و همه گیری:

سعادت یک جامعه وابسته است به

تضمین اینکه اعضای جامعه احساس کنند سهمی در جامعه دارند و خود را جدای از جامعه احساس نکنند. این مستلزم این است که همه گروه ها و به ویژه بیشتر قشرهای آسیب پذیر برای بهبود یا حفظ شرایط زندگی شان، فرصت داشته باشند.

کارایی و اثربخشی:

حکمرانی خوب یعنی اینکه، فرایندها و نهادها، نتایجی را به بار آورند که نیازهای جامعه را با بهترین استفاده از منابع فناپذیر برآورده سازد. مفهوم کارایی در زمینه حکمرانی شامل استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط هم می شود.

مسئولیت:

مسئولیت یکی از ملزومات اصلی حکمرانی است. نه تنها نهاد های حکومتی بلکه بخش خصوصی و سازمانهای جامعه مدنی نیز باید نسبت به عموم مردم و نسبت به ذینفعان بنیادیشان مسئول باشند. اینکه چه کسی در برابر چه کسی مسئول است، بسته به این است که تصمیمات گرفته شده یا اعمال صورت گرفته نسبت به سازمان یا نهاد، داخلی یا خارجی محسوب می شوند. در کل یک نهاد یا سازمان به کسانی که به وسیله تصمیمات یا اعمالشان تاثیر می پذیرند، مسئول است. مسئولیت نمی تواند بدون شفافیت و حکومت قانون اجرا شود.

نتیجه گیری

از بحثی که مطرح شد، باید روشن شده باشد که حکمرانی خوب یک آرمان است که البته دشوار است کاملاً بدان دست یابیم. تعداد خیلی کمی از کشورها و جوامع می توانند به صورت کامل به حکمرانی خوب دست یابند. به هر حال برای تامین توسعه پایدار انسان، کارها باید به سوی این آرمان و با توجه به واقعیت انجام شوند. □

منبع:

Yap Kioe, Sheng, What Is Good Governance?, United Nations, Economic & Social Commission For Asia and The Pasific, Available At: www.unescap.org.